

افساد فی الأرض از وصف جزایی تا جرمی مستقل با تکیه بر آموزه‌های قرآنی

محمدابراهیم مجاهد*

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۸

احمد عابدینی نجف آبادی**

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۵

جواد پنجه پور***

چکیده

یکی از مهم‌ترین جرایم ذو ابعاد و امنیتی افساد فی الأرض می‌باشد. با نگاهی به متون فقهی و تاریخچه قانونگذاری نتیجه می‌گیریم که علی‌رغم مستندات و استحکام مبانی فقهی به خاطر شمول مفهومی و مصادیق فراوان تا کنون قانونگذار از ورود به جرم‌انگاری مستقل برای افساد فی الأرض اجتناب نموده است. ایراداتی از جمله شمول مفهومی از یک سو و اصول حاکم بر سیاست کیفری مانند اصل تفسیر مضیق از سوی دیگر مانع از جرم‌انگاری مستقل آن شده بود. همینطور مناقشه وحدت یا ثنویت دو عنوان محاربه و افساد فی الأرض که در این پژوهش نیز تا حدودی به آن پرداخته‌ایم مزید بر آنچه گفتیم سد راه استقلال جرم افساد بود. البته خواهد آمد که آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده مفهومی واحد داشته و شأن صدور آیه شریفه با عنایت به نظر مفسران و قول مشهور فقها متمرکز بر موضوع محاربه است و نه افساد فی الأرض. در واقع «افساد» قید توضیحی برای محاربه بوده و ناظر به تعلیل مجازات‌های چهارگانه است. **کلیدواژگان:** افساد فی الأرض، استقلال، مستندات فقهی، مصادیق قانونی.

پرتال جامع علوم انسانی

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
mojaheds49@yahoo.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
ahmadabedinia@yahoo.com

*** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.
نویسنده مسئول: احمد عابدینی نجف آبادی

مقدمه

جرم افساد فی الارض از جمله جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی است که در فقه همواره در کنار جرم محاربه قرار گرفته و در بحث حدود مورد بررسی قرار می‌گیرد. بسیاری از صاحب‌نظران عبارت «يَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا» را مستند جرم افساد فی الارض می‌دانند بدین معنا که اگر کسی سعی به هر نحوی سعی در فساد گسترده وسیع و عمده در جامعه نماید مفسد فی الارض است. نکته مورد مناقشه در این آیه این است که اگر مبنای جرم انگاری مفسد فی الارض صرفاً همین آیه باشد، مجازات محارب و مفسد فی الارض تفکیک نشده و این دو جرم در کنار یکدیگر آمده‌اند. همین نکته باعث شده تا مشهور فقها صرف نظر از ذکر دو عنوان شأن صدور را دایر مدار محاربه دانسته و افساد فی الارض را وصف و قید توضیحی آن بدانند (شاهرودی، ۱۳۷۸: ۲۶۹). چنانکه در اغلب کتب فقهی نیز افساد فی الارض در کنار محاربه قرار گرفته و باب مستقلی را دارا نیست. در مقابل عده‌ای دیگر از فقها معتقدند محاربه و افساد فی الارض یکی نبوده و هر یک جرم مستقلی هستند و آیه شریفه مترصد بیان جرم افساد فی الارض است. آن‌ها برای اثبات ادعای خویش به روایاتی استناد نموده‌اند که در آن‌ها به افساد فی الارض حکم شده و مرتکب آن‌ها مورد مجازات قرار گرفته است. همچنین استناد در آیه بعد نیز قرینه است بر اینکه مراد از محاربه همان افساد است. «على أن الاستثناء في الآية التالية قرينة على كون المراد بالمحاربة هو الإفساد المذكور فإنه ظاهر» (مؤمن، ۱۴۱۵: ۳۷۸).

قانونگذار سال ۱۳۹۲ش در ماده ۲۸۶ با برداشت نوینی از آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده افساد فی الارض را از محاربه جدا نمود و بدون هیچ گونه تعریفی از این جرم مصادیقی را تحت عنوان افساد فی الارض ذکر نموده است (شاید بتوان گفت تعریف افساد مضمّر در ذکر مصادیق احصاء شده است یعنی مصادیق مذکوره ناظر به تعریف افساد هم هست). بنا بر استدلال مقنن سال ۱۳۹۲ش چنانچه به تشخیص دادگاه افرادی مرتکب مصادیق مذکور در ماده ۲۸۶ق.م.ا شدند، مشمول مجازات مفسد فی الارض خواهند بود. به نظر می‌رسد مبنای جرم انگاری چنین مفاسدی، فساد ریشه‌ای و یقین به شیوع آن‌ها در سطح جامعه اسلامی است. لذا با توجه به این نحوه فساد گسترده (یعنی صدمه شدید به نظم عمومی یا امنیت کشور

و گسترش فساد و فحشا در حد وسیع، خسارت عمده و... مقنن مجازات افساد فی الارض را برای آن‌ها در نظر گرفته است.

صرف نظر از آنچه گفته شد این سیاست کیفری قانونگذار کاملاً منطبق بر فلسفه مجازات بدنی در اسلام نیز بوده و هرگز ظالمانه تلقی نمی‌شود؛ با اندکی تأمل مخالفی با مقرراتی بین المللی چون ماده ۱۶ کنوانسیون مصوب ۱۹۸۴ و ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و موضوع منع مجازات‌های تزدیلی و غیر انسانی و امثال آن‌ها ندارد و به دور از شبهات حقوق بشری می‌باشد. بلکه در خفیف‌ترین مجازات مترتب بر محارب و یا مفسد فی الارض که نفی است؛ به اجماع محققان و بنای عقلا موجب بیداری وجدان و اصلاح آنان می‌شود. در بعضی دیگر موجب باز داشتن آنان از ارتکاب دوباره جرم می‌شود و نیز سبب می‌شود که دیگران از ترس مجازات تصور ارتکاب آن را نکنند. قطعاً مصالح مترتب بر مجازات از مفسده اصل آن بیش‌تر است و جلب مصالح بزرگ و پراهمیت واجب است هرچند مفسد جزئی را به دنبال داشته باشد (صالحی و هرندی، ۱۳۹۸: ۷۹).

لحاظ فقهی حدود مختصات خاص خود را دارد و افساد فی الارض هم بر این اساس عنوان مستقل مجرمانه‌ای نیست.

در ادامه این نوشتار سعی بر این است که ضمن بیان کلیاتی در مورد جرم افساد فی الارض همچون مفاهیم، مصادیق و تعریف، به بررسی مسائل مذکور تحت عنوان بررسی جزایی مجازات افساد فی الارض که هدف و مبنای این تحقیق می‌باشد خواهیم پرداخت.

پیشینه تحقیق

از جمله سوابق مربوط به عنوان افساد فی الارض می‌توان به مقاله «محاربه چیست و محارب کیست»، آیت اله هاشمی شاهرودی، و مقاله «محاربه و افساد فی الارض» از آیت اله مؤمن قمی، و «محاربه و افساد فی الارض» از محمدجعفر حبیب زاده، و مقاله «افساد فی الارض از دیدگاه قرآن و روایات و عقل» نوشته سیدمحمدحسن مرعشی و نیز به مقاله «سیری در مستندات فقهی جرم انگاری افساد فی الارض» نوشته حسینعلی بای و «افساد فی الارض در فقه و حقوق موضوعه» نوشته مهدی نعاکار و نیز مقاله مهدی

صالحی و محمدجعفر هرنندی تحت عنوان «مجازات‌های بدنی و چالش‌های حقوق بشری» و سایر آثار مورد استفاده اشاره نمود. با همه این تفصیلات به نظر می‌رسد هنوز برای توجیه جرم انگاری مستقل این عنوان مجرمانه تحقیقات زیربنایی و تحلیلی دیگری نیاز است که این پژوهش در راستای ابهام زدایی از این آموزه کیفری منصوص قرآنی به عنوان حد شرعی به تحلیل پرداخته است.

مفهوم فساد

راغب اصفهانی در «مفردات» فساد را به معنای بیرون رفتن از حد اعتدال می‌داند چه کم باشد و چه زیاد، و در این معنا فساد در مقابل صلاح قرار می‌گیرد و به معنای ضد صلاح می‌باشد. «الفساد خروج الشيء من الاعتدال قليلاً كان الخروج أو كثيراً و يصاده الصلاح» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۲).

شاید بتوان این مفهوم را کامل‌ترین مفهوم لغوی فساد دانست چراکه تدبیر در آیات قرآن کریم نیز همین معنا را به ذهن متبادر می‌نماید. لذا با این مفهوم گستره فساد را می‌توان شامل هر عملی دانست که ضد صلاح باشد همچون کفر، قتل، جنگ، ستم و تجاوز و حتی ضایع کردن حقوق دیگری، چراکه تمامی این اعمال خارج از حد اعتدال بوده و با صلاح ضدیت دارند (حبیب زاده، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

مفهوم فی الارض

معنای این عبارت عربی کاملاً روشن بوده به معنای در زمین می‌باشد. تنها نکته قابل ذکر در این عبارت آن است که فی الارض در واقع کنایه از گستردگی و وسعت عمل فساد می‌باشد و تفاوتی ندارد که فساد در کدام منطقه از زمین رخ دهد، سرزمین اسلامی یا غیر اسلامی (حبیب زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۳).

مفهوم افساد فی الارض

با توجه به مطالب ارائه شده در باب مفهوم لغوی و اصطلاحی افساد فی الارض این جرم را می‌توان اینگونه تعریف نمود: هرگونه رفتار عمدی و آگاهانه شخص یا اشخاصی

که در نظم یا سلامت یا امنیت جامعه از نظر اقتصادی یا اجتماعی یا اخلاقی اختلال ایجاد کند و موجب تباهی و فساد گسترده در سطح نظام اسلامی شود یا به قصد براندازی حکومت و یا علم به مؤثر بودن آن رفتار در مقابله یا ضربه به نظام اسلامی صورت گیرد افساد فی الارض اطلاق می‌شود. بنابراین در می‌یابیم که این جرم دامنه وسیعی دارد چنانکه در قوانین مختلف تحت عناوین متفاوت و با موضوعات متنوع مرتکب به این جرم محکوم می‌شود. بنابراین ابتدا از نظر حقوقی و قانونی به مفهوم افساد فی الارض خواهیم پرداخت.

مفهوم افساد فی الارض در اصطلاح حقوقی

اکثر حقوقدانان نیز از افساد فی الارض تعریف خاصی به عمل نیاورده‌اند و بیش‌تر به بررسی مصادیق آن پرداخته‌اند اما در بین کتب حقوقی تعاریف محدودی از افساد فی الارض به چشم می‌خورد که در این مطلب به اختصار به توضیح آن‌ها خواهیم پرداخت. مفسد فی الارض کسی است که در جهت فاسد کردن دیگران تلاش و کوشش داشته باشد و قصد ستیزه جویی، گردنکشی، پیکار و مبارزه با خدا و رسول خدا را دارد (ولیدی، ۱۳۸۸: ۳۲۰).

این تعریف را نمی‌توان تعریف کامل و جامعی قلمداد نمود چراکه اولاً این شبهه را به ذهن متبادر می‌نماید که افساد فی الارض مخصوص به زمان پیامبر است و ثانیاً هدف مفسد از ارتکاب افساد را فقط ستیزه جویی و گردنکشی و غیره معرفی کرده و به اخلاص در امنیت و نظم عمومی توجهی ننموده است و ثالثاً فقط مصادیقی از افساد را مطرح نموده در حالی که افساد فی الارض دارای مصادیق زیادی است.

فساد در زمین با توجه به قید زمین، جنبه عمومی جرم را می‌رساند. هر معصیت و جرمی فساد است اما فساد در زمین نیست، آنچه به عنوان مصادیق محاربه نام برده شده و ناامن کردن راه‌ها و شهرها و اغتشاش در جامعه و سلب امنیت از مردم به وسیله قوای قهریه و سلاح، همه از مصادیق آشکار فساد در ارض، مفسد فی الارض و محاربه است. این تعریف که توسط علیرضا فیض مطرح شده را نیز نمی‌توان تعریف درستی دانست چراکه مصادیق محاربه و افساد را یکی دانسته است (نعناکار، ۱۳۸۷: ۶۵).

تعریف دیگر، توسط جعفر حبیب زاده مطرح شده و بیان می‌دارد: مفسد فی الارض کسی است که شیء را از حالت سلامت و صلاح بیرون ببرد و در رأس مفسدین، مفسدی قرار دارد که به منظور سلب امنیت و ایجاد رعب و وحشت برای مردم دست به اسلحه ببرد و با مقاتله و جنگ و قتال، نظام صالح را که مقتضای ربوبیت خداوند است به مخاطره می‌اندازد. اما فساد منحصر به محاربه نیست و خروج از اعتدال به هر کیفیتی و به هر میزانی و با هر شیوه و وسیله‌ای که صورت گیرد فساد تحقق می‌یابد. بنابراین جرایمی مانند تشکیل باندهای فحشا و منکرات و رشا و کلاهبرداری، قاچاق مواد مخدر، تحریک و تشویق مردم به بی‌عفتی و هرزگی و... که همگی منجر به خروج از حالت اعتدال و میانه روی - که حرکت به سوی خداست - می‌شوند، از مصادیق افساد فی الارض هستند (حبیب زاده، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

تعریف فوق به حدی عام و گسترده است که شامل هر نوع گناه و عملی که موجب خروج از اعتدال شود، می‌شود. از این رو نمی‌توان آن را تعریف مناسبی از افساد فی الارض به شمار آورد چراکه برخی از اعمال هستند که موجب برهم خوردن اعتدال می‌شوند اما مشمول افساد فی الارض نیستند.

افساد فی الارض را با توجه به تعاریف بالا می‌توان اینگونه تعبیر کرد: جرمی است که مرتکب آن را به قصد برهم زدن نظم و امنیت جامعه انجام می‌دهد و این نظم و امنیت می‌تواند از نظر اقتصادی، اجتماعی و یا اخلاقی باشد که می‌تواند از طریق فعل یا ترک فعل صورت گیرد (یزدان شناس، ۱۳۹۱: ۳۲۰).

مفهوم افساد فی الارض در اصطلاح قانونی

در قوانین نیز به پیروی از فقه ماده خاصی به تعریف این جرم اختصاص نیافته بود. اما مقنن در قانون مجازات سال ۹۲ در ماده ۲۸۶ و تبصره آن جرم افساد فی الارض را به عنوان جرمی مستقل مورد شناسایی قرار داد. اما این ماده نیز جرم افساد را تعریف نکرده بلکه مصادیق آن را ذکر نموده است. البته مقنن باید بکوشد برای واژگانی همچون وسیع، عمده، شدید و گسترده تا حد ممکن عبارات روشن‌تری برای احصاء این جرم استفاده نماید و از بسط ید قضات در گستره جرم بکاهد.

مصادیق افساد فی الارض

مصادیق قانونی

۱. ماده ۹ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر

در این ماده بیان شده است که مجازات‌های مرتکبین جرائم مذکور چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملاء عام اجرا خواهد شد.

در ماده ۸ این قانون مقنن اظهار داشته است که هر کس هروئین، مرفین، کوکائین، و دیگر مشتقات شیمیائی... نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد و در ادامه ماده شش بند و دو تبصره بیان شده که در هریک از بندها به ترتیب از میزان پنج سانتی متر در بند اول تا بیش از سی گرم در بند ششم را مورد دسته بندی قرار داده که هر یک دارای مجازات مشخصی هستند، ماده ۹ در واقع مجازات تکرار جرم موضوع ماده ۸ را اعلام می‌دارد که بار چهارم تکرار مرتکب مشمول عنوان افساد فی الارض شده و به مجازات اعدام محکوم می‌گردد. بنابراین یکی از مصادیق قانونی افساد فی الارض را می‌توان مرتکب بار چهارم اعمال مذکور در ماده ۸ این قانون دانست.

۲. قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و واردکنندگان، توزیع کنندگان و

مصرف کنندگان اسکناس مجعول

در این قانون به شکل ماده واحده و توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده بیان شده: هر کس اسکناس رایج داخلی را بالمباشره یا به واسطه جعل کند یا با علم به جعلی بودن... به عنوان مفسد به اعدام محکوم می‌گردد مگر آنکه عضو باند نبوده و قصد مبارزه با نظام نداشته و در محکمه ثابت شود که فریب خورده است. نکته قابل توجه در این ماده این است که از عبارت "مگر آنکه عضو باند نبوده و قصد مبارزه با نظام را نداشته و در محکمه ثابت شود که فریب خورده است" می‌توان دریافت که شرط مفسد شناخته شدن مرتکب در این ماده عضو باند بودن و قصد مبارزه با نظام است و

چنانچه مرتکب عضو باند نباشد و یا قصد مبارزه با نظام را نداشته باشد مفسد نبوده و مجازات او اعدام نیست. در این ماده بر علم و عمد مرتکب در ورود اسکناس مجعول به کشور نیز اشاره شده است که بیانگر سوء نیت عام مرتکب می‌باشد و قصد مبارزه با نظام نیز به عنوان سوء نیت خاص مرتکب باید احراز گردد.

۳. قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند

بند الف ماده ۳ این قانون بیان می‌دارد: عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می‌شوند. چنانچه عوامل فوق‌الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن محکوم می‌گردند. در این بند از مفسد فی الارض سخن به میان آمده بدین معنا که ممکن است مرتکبین موضوع این ماده مفسد فی الارض شناخته شوند اما معیاری برای آن ذکر نشده است که مثلاً در چه شرایطی ممکن است مرتکب تحت عنوان افساد فی الارض محاکمه و مجازات شود اما به نظر می‌رسد چنانچه اقدامات مذکور در این ماده موجب فساد گسترده شوند یا مرتکب به قصد ضربه زدن و آلوده کردن جامعه این اعمال را انجام دهد به نحوی که مصداق سعی در ایجاد فساد در جامعه باشد می‌توان وی را مفسد فی الارض دانست.

۴. قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور

۴-۱. قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری

در ماده ۱ این قانون که توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۹ به تصویب رسید هفت حالت ذکر شده که اگر این هفت مورد به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به منظور مقابله با نظام یا با علم به مؤثر بودن این اقدامات در مقابله با نظام انجام شده باشد و در حد فساد فی الارض باشد، مرتکب مطابق ماده ۲ همین قانون

تحت عنوان مفسد فی الارض محکوم و به مجازات اعدام می‌رسد. در ماده ۴ این قانون آورده شده: کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه به امر ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند... در صورتی که مصداق کامل مفسد فی الارض باشند مجازات آنها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود. به نظر می‌رسد منظور از عبارت "مصداق کامل مفسد فی الارض باشند" این است که اگر جرایم مالی موضوع این ماده در سطح گسترده‌ای انجام شوند و هدف از انجام آنها نیز ایجاد اختلال گسترده در نظام اقتصادی جامعه و یا ضربه زدن به نظام اسلامی ایران باشد مرتکب مصداق مفسد فی الارض بوده و به مجازات اعدام محکوم می‌شود. لذا می‌توان گفت اگر فردی قصد ثروت اندوزی یا کسب سود یا هر هدفی غیر از ضربه زدن و یا اختلال گسترده در نظام داشته باشد و یا چنانچه به اثرات مخرب عمل خود آگاهی نداشته باشد نمی‌توان وی را مشمول عنوان افساد فی الارض دانست.

۵. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

قانون مجازات سال ۱۳۹۲ ماده ۲۸۶ را به جرم افساد فی الارض اختصاص داده است که این ماده بیان می‌دارد: هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد به گونه‌ای که موجب اختلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.

تبصره: هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اختلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه جرایم مشمول عنوان افساد فی الارض شده‌اند و نیز چند مورد از مصادیق افساد فی الارض که

در قوانین دیگر مطرح شده بودند همچون اخلال در نظام اقتصادی کشور و پخش مواد سمی و میکروبی نیز احصا شده‌اند.

۶. اسیدپاشی

در باب اینکه آیا می‌توان اسیدپاشی را جز مصادیق افساد فی الارض دانست یا خیر با توجه به شدید بودن آثار و پیامدهای این جرم بر فرد مجنی علیه و جامعه می‌توان اظهار داشت مطابق ماده واحده لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ که مقرر داشته: هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیب شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام... محکوم خواهد شد. ... در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت اجرای ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه تخفیف جایز نیست. البته قسمت‌هایی از ماده فوق‌الذکر منسوخ می‌باشد زیرا درست است که اگر اسیدپاشی موجب قتل مجنی علیه شود مرتکب به مجازات اعدام می‌رسد اما اجرای این مجازات مبتنی بر درخواست اولیاء دم بر قصاص مرتکب می‌باشد. البته مطابق ماده ۲۸۶ اگر عمل اسیدپاشی که از جمله جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد می‌باشد و نیز اسید از مصادیق مواد خطرناک است، اگر مرتکب این عمل را در سطحی وسیع و به گونه‌ای انجام دهد که سبب ورود خسارت عمده یا اخلال در نظم و امنیت جامعه شود می‌توان وی را مصداق مفسد فی الارض دانست خصوصاً در مواردی که اسیدپاشی به دفعات تکرار شود همانند موردی که اخیراً در چند شهر اتفاق افتاد و موجب رعب و وحشت مردم و اختلال نظم جامعه شد. در این باره یکی از فقها بیان داشته است: «الحاق مثل هواپیمارایی، اسیدپاشی و دزدیدن کودکان اگر به قصد ناامنی عمومی و خوف و اضطراب عامه و سلب امنیت جامعه باشد به محاربه و افساد بعید نیست» (صافی، ۱۳۸۸: ۱۲۳).

مصادیق فقهی

۱. ساحر

شیخ طوسی مجازات ساحر را بر مبنای روایتی از اصحاب که بیان می‌دارد: «وقد روی اصحابنا: ان الساحر یقتل. والوجه فی هذه الروایة ان هذا من الساحر افساد فی الارض

والسعی فیها به والاجل ذلک وجب فیہ قتل» (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۰۲). بدین معنا که از اصحاب ما روایت شده که ساحر کشته می‌شود وجه این روایت آن است که عمل سحر افساد فی الارض بوده و ساحر ساعی در افساد است. بنابراین قتل او لازم است - مرگ می‌داند و علت مرگ را نیز افساد ساحر می‌دانند. مرحوم طبرسی نیز همین علت را برای مجازات ساحر بیان می‌دارند (طبرسی، ۱۴۱۰: ۸۶۵). از فرمایشات صاحب «جواهر» نیز بر می‌آید که با نظر شیخ طوسی و مرحوم طبرسی موافق است (نجفی، ۱۴۲۴: ۶۵۲).

۲. قاتل اهل ذمه

همانطور که می‌دانیم برای اجرای قصاص در اسلام باید تساوی میان قاتل و مقتول وجود داشته باشد بنابراین چنانچه مسلمانی کافری را به قتل رساند قصاص نمی‌شود چون تساوی میان آن‌ها وجود ندارد. به اعتقاد برخی فقها (سبزواری، ۱۴۱۹: ۶۵۰) اگر فردی به کشتن اهل ذمه اعتیاد پیدا کند مجازات وی مرگ است زیرا عمل وی مصداق فساد در زمین است چنانکه /بوصلاح حلبی می‌نویسد: «پس اگر به قتل اهل ذمه عادت کرده باشد، گردن او به جهت فسادش در روی زمین زده می‌شود» (حلبی، ۱۴۱۷: ۱۰۲).

۳. قاتل برده

در مورد قتل بردگان نیز همانند اهل ذمه بیان شده که اگر کسی به کشتن بردگان اعتیاد پیدا کند مفسد فی الارض شناخته شده و مجازات وی مرگ است (همان).

۴. آتش افروز

از دیگر مصداق مفسد فی الارض در فقه شخصی است که عامداً خانه دیگری را با هرچه در آن خانه است به آتش بکشد و بسوزاند مستند این حکم نیز روایت معتبره سکونی از امام علی است که مرتکب علاوه بر پرداخت خسارت و زیانی که وارد کرده به مجازات مرگ محکوم می‌شود که علامه حلبی معتقدند مجازات چنین فردی به سبب فساد فی الارض مرگ است و صاحب «جواهر» هم به این نظر تمایل نشان داده‌اند.

محقق حلی نیز حکم افساد را در صورتی جاری می‌دانند که فرد به آتش افروزی اعتیاد پیدا کرده باشد (حلی، ۱۴۱۲: ۹۰).

۵. تجارت انسان

برخی از فقهای امامیه مانند علامه حلی و شیخ طوسی بر این باورند که اگر فردی انسان آزادی را بفروشد و یا برباید و سپس بفروشد مجازات وی قطع دست است و این قطع دست به سبب افساد فی الارض است.

علامه حلی در این باره می‌فرماید: «الاول ان یکون مالا، فلا یقطع سارق الحر الصغیر حدا اذا باعه بالفساد» یعنی شرط اول سرقت حدی آن است که شیء مسروق مال باشد؛ بنابراین کسی که صغیر آزادی را برباید و آن را به فروش رساند دست او به سبب حد سرقت قطع نمی‌شود بلکه به جهت ایجاد فساد قطع می‌گردد (حلی، ۱۴۱۲: ۹۹). شیخ طوسی نیز ضمن بیان روایت طریف بن سنان از امام صادق (ع) استدلال می‌نماید که اینکه در روایت آمده که دست مرد قطع می‌شود به جهت سارق بودن وی نیست؛ زیرا موضوع سرقت باید از مواردی باشد که قابلیت تملک داشته باشد و از جای مخصوص خود {حرز} ربوده شود و دارای نصاب معینی باشد در حالی که انسان آزاد به هیچ وجه قابل تملک نیست؛ بنابراین دلیل مجازات مزبور آن است که وی مفسد فی الارض محسوب می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲).

۶. نباش و سارق کفن

در مورد کسی که نبش قبر می‌کند و کفن می‌دزد بیش تر فقها مجازات قطع دست را مطرح نموده‌اند اما نکته قابل توجه این است که این قطع دست را نمی‌توان حد سرقت دانست چراکه برای آن نصاب مشخص نشده و دیگر شرایط حد سرقت نیز در مورد آن مطرح نشده است لذا به نظر می‌رسد قطع دست نباش و سارق کفن از باب افساد فی الارض باشد. چنانکه علامه حلی نیز پس از شرح نظرات فقهای دیگر بیان می‌دارند که اگر نباش قبر را نبش کند و کفن را از قبر خارج کند و قیمت کفن به میزان ربع دینار باشد در همان بار اول دست وی قطع می‌شود و نیازی به تکرار عمل نیست و اگر عمل را

تکرار کند قتل وی جایز است و اما دلیل قتل نباش در صورت تکرار عمل آن است که وی مفسد می‌باشد (حلی، ۱۴۱۲: ۶۵).

۷. محتال

از دیگر مصادیق فقهی مفسد فی الارض شخصی است که به وسیله حيله و فریب و دروغ مال دیگری را ببرد که اصطلاحاً به وی محتال گفته می‌شود. در روایتی از امام صادق در مورد مجازات چنین شخصی نقل شده که دست این شخص قطع می‌شود و شیخ طوسی در مقام بیان علت این مجازات استدلال نموده‌اند که قطع دست محتال از باب افساد فی الارض است و این عمل سرقت نیست که قطع دست ناشی از حد سرقت باشد بلکه این مجازات در صورتی انجام می‌شود که فرد مرتکب به این عمل عادت کرده باشد (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۲۵).

ارکان جرم افساد فی الارض

۱. رکن قانونی

رکن قانونی افساد فی الارض را می‌توان ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی دانست که مطابق آن اگر فردی اعمال مذکور در ماده را مانند جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اختلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی خطرناک و یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها را انجام دهد مفسد فی الارض شناخته شده و به مجازات اعدام می‌رسد.

اگرچه در قوانین دیگر نیز موادی وجود دارند که عملی را تحت عنوان افساد فی الارض جرم انگاری نموده‌اند همچون قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، قانون مجازات عبوردهندگان از مرزها، قانون تشدید مجازات محتکران و گران فروشان، قانون مجازات نیروهای مسلح و غیره. البته برخی از این اعمال با اقدامات یاد شده با مصادیق مذکور در ماده ۲۸۶ مشترک بوده و برخی متفاوت‌اند اما در هر حال تمامی این مواد را می‌توان عنصر قانونی جرم افساد فی الارض به شمار آورد.

۲. رکن روانی

در جرم افساد فی الارض نیز همانند سایر جرایم باید قصد و نیت برای انجام عمل مجرمانه افساد وجود داشته باشد. سوء نیت مرتکب در انجام فعل مجرمانه می‌تواند بر دو قسم عام و خاص باشد. جرم افساد فی الارض را می‌توان از جمله جرایمی دانست که علاوه بر سوء نیت عام مرتکب، سوء نیت خاص وی هم برای تحقق جرم لازم است. منظور از سوء نیت عام مرتکب در جرم افساد همان قصد وی مبنی بر انجام عمدی فعل مجرمانه و نیز علم و آگاهی وی به جرم بودن چنین عملی است و سوء نیت خاص او که در تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مورد اشاره قرار گرفته مبتنی بر قصد اخلاص گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده، می‌باشد. بر این مبنا تحقق این جرم نه فقط به سوء نیت عام مرتکب بلکه به سوء نیت خاص وی نیز بستگی دارد لذا در صورت مفقود بودن چنین قصدی نمی‌توان مرتکب را مفسد فی الارض شمرد و به مجازات رساند. مانند آنکه مرتکب با علم و عمد جنایاتی را علیه تمامیت جسمانی افراد دیگر انجام دهد اما هدف وی از این اقدامات اخلاص در نظم عمومی یا ورود خسارت به شکل عمده نباشد مثلاً به قصد انتقام جویی آن جنایات را انجام دهد نمی‌توان وی را مفسد فی الارض دانست. روشن است که این سخن بدان معنا نیست که فرد مرتکب مجرم نیست اما از باب افساد فی الارض قابل محاکمه و مجازات نیست. بنابراین عنصر معنوی جرم افساد را می‌توان قصد مرتکب مبتنی بر اخلاص گسترده در نظم عمومی، اقتصادی، اخلاقی دانست که اثرات وسیع و عمده‌ای بر جای بگذارد.

۳. رکن مادی

درباره رکن مادی جرم افساد فی الارض باید اظهار داشت برخی از مصادیق این جرم همچون دایر کردن مراکز فساد و فحشا، جرایم اقتصادی که منجر به اخلاص در نظام اقتصادی کشور شوند، فعل مجرمانه به شکل مثبت و فعل وقوع می‌یابد چنانکه تا قبل از وجود این ماده نیز اعتقاد بر این بود که افساد فی الارض همواره با فعل مثبت انجام می‌یابد اما وجود عبارت کلی مانند "جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد" در ماده ۲۸۶

نشان می‌دهد که افساد فی الارض می‌تواند گاهی با ترک فعل نیز اتفاق افتد. چنانکه جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد یعنی قتل می‌تواند با ترک فعل ارتکاب یابد. برای مثال پرستاری که وظیفه رساندن دارو را دارد تعداد زیادی از افراد با ترک وظیفه خویش مبنی بر رساندن داروی به موقع به آن‌ها به قتل رساند البته این در صورتی مشمول عنوان فساد می‌شود که قصد اخلاص گسترده در نظم عمومی و یا سایر سوء نیت مذکور در تبصره ماده ۲۸۶ را دارا باشد.

برای روشن‌تر شدن رکن مادی افساد فی الارض هر یک از موارد مطروحه در ماده ۲۸۶ را به اختصار بررسی می‌نماییم.

جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد: منظور از تمامیت جسمانی همان سلامت جسمانی افراد است. بنابراین جنایت علیه سلامت جسمی افراد شامل هر عملی از جمله قتل، ضرب و جرح، قطع عضو و وارد کردن خسارت به عضو یا منفعت اعضا را شامل می‌شود. چنانچه شخصی این اعمال را در فرض وجود سوء نیت لازم برای افساد فی الارض به نحو وسیع و شدیدی انجام دهد مفسد فی الارض شناخته می‌شود.

جرایم علیه امنیت داخلی: هر عملی که به نوعی تهدید کننده یک ملت یا کشور در داخل مرزهای ملی آن باشد به نحوی که موجب به خطر افتادن موجودیت دولت ملی و مرکزی آن کشور شود می‌تواند جرمی علیه امنیت داخلی محسوب گردد به شرط آنکه آن عمل در قانون جرم انگاری شده باشد. به عبارت دیگر جرایم علیه امنیت داخلی اعمال مجرمانه‌ای هستند که باعث برهم خوردن نظم عمومی و داخلی یک کشور می‌شوند که از جمله این جرایم می‌توان به محاربه و سوء قصد به جان مقامات بلندپایه سیاسی کشور اشاره کرد.

جرایم علیه امنیت خارجی: مجموعه اقداماتی که بتوانند تهدید برای امنیت یک کشور در خارج از مرزهای ملی باشند به گونه‌ای که موجب وارد کردن فشار سیاسی، اعمال تحریم‌های اقتصادی، فرهنگی، دارویی و... و یا موجب تهدید به حمله نظامی به کشور شوند، در زمره جرایم علیه امنیت خارجی قرار می‌گیرند. از جمله جرایم علیه امنیت خارجی می‌توان به جاسوسی علیه کشور و همکاری با دول متخاصم اشاره نمود (گلدوزیان و احمد زاده، ۱۳۸۸: ۵۶۵).

نشر اکاذیب: در اصطلاح حقوقی نشر اکاذیب جرمی است که در آن مرتکب اخبار دروغ و خلاف واقع را با سوء نیت انتشار و اشاعه می‌دهد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۱۴۵). نکته قابل توجه در مورد نشر اکاذیب این است که چون اکاذیب به شکل جمع به کار برده شده بدین معنا نیست انتشار با سوء نیت یک خبر کذب نمی‌تواند مشمول این عنوان مجرمانه باشد، بلکه این جرم حتی با یک بار اشاعه اخبار خلاف واقع نیز تحقق می‌یابد. نشر اکاذیب از جمله جرایم مطلق بوده که منوط به وقوع نتیجه نمی‌باشد اما اگر آن را در قالب افساد فی الارض در نظر بگیریم بدین معنا که مرتکب اکاذیبی را به قصد اخلال در نظم عمومی جامعه یا سایر سوء نیات مذکور در تبصره ماده ۲۸۶ به طور گسترده انتشار دهد، جرم مقید است بدین معنا که باید اخلال در نظم جامعه رخ دهد. نکته قابل ذکر دیگر در خصوص نشر اکاذیب این است که این جرم، جرمی مقید به وسیله بوده و باید به شکل مکتوب آورده شود تا مرتکب را بتوان مشمول مجازات نشر اکاذیب دانست. لذا ماده مزبور منصرف از بیان شفاهی است. به هر صورت اقتضای تفسیر مضیق قوانین جزایی نیز انحصاراً ارتکاب بزه‌های معنونه در قالب کتابت است. البته بسیاری از حقوقدانان همین موضع را اتخاذ نموده‌اند. البته *آقایی نیا* این دیدگاه و طرز نگارش ماده ۶۹۸ را نقد نموده‌اند و بر این عقیده‌اند که چنانچه فردی شفاهاً از طریق برنامه‌ای تلویزیونی و یا رسانه‌ای عمومی که میلیون‌ها نفر بیننده دارد اکاذیبی را بیان نماید باید بتوان وی را مشمول این عنوان مجرمانه قرار داد، هرچند که طبق اصل قانونمندی جرم و مجازات نمی‌توان فعلاً آن را شامل ماده دانست و باید قانون اصلاح شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

تخریب: در اصطلاح حقوقی تخریب به معنای خراب کردن یا وارد کردن خسارت عمدی به مال متعلق به غیر می‌باشد. عنصر مادی این جرم ایراد خسارت به مال غیر و عنصر روانی آن عمد در ایراد خسارت و خرابی است (همان: ۱۶۵). لازم به ذکر است تخریب می‌تواند به شکل فعل یا ترک فعل صورت گیرد و مال موضوع تخریب باید متعلق به دیگری باشد. تخریب انواع مختلفی دارد که در مواد ۶۷۷، ۶۸۷، ۷۳۶ و ۷۳۷ قانون مجازات اسلامی ذکر شده اما ماده ۲۸۶ تخریب را به طور کلی مطرح نموده است که شامل تمامی این موارد می‌شود لذا اگر مرتکب هر یک از جرایم مذکور در مواد فوق را

به قصد اخلال در نظم و امنیت عمومی جامعه یا ایجاد فساد و یا ورود خسارت عمده به کشور و در سطح وسیع و گسترده‌ای انجام دهد عمل وی مشمول افساد فی الارض می‌شود.

احراق: در اصطلاح حقوقی (به معنای آتش افروزی علیه غیر است) که در برخی مواد از آن یاد شده است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴: ۱۴۵) مانند ۶۷۵-۶۷۶ قانون مجازات اسلامی. تبصره این مواد مقرر می‌دارد:

تبصره ۱: اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت.

نکته قابل توجه در رابطه با جرم احراق این است که تعلق مال به غیر از شروط تحقق این جرم است. اگر مرتکب عمل احراق را با قصد اخلال عمده انجام دهد و این اختلال شدید و گسترده باشد مجازات مرتکب مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

اخلال در نظام اقتصادی: از جرم اخلال در نظام اقتصادی تعریف خاصی به عمل نیامده است اما اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۷/۸۶۰۷ مورخ ۸۳/۱۱/۱۷ اظهار داشته است: قانون نسبت به بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور تعریف خاصی ارائه نکرده و به نظر می‌رسد ارائه تعریف با مقامات اقتصادی کشور باشد. کما اینکه وزارت بازرگانی در ما نحن فیه، بزه ارتكابی متهمان را اختلال در نظام تهیه و توزیع مایحتاج عمومی تشخیص و آن را از مصادیق اخلال در نظام اقتصادی کشور تلقی نموده است. در برخی مواد مصادیق اخلال در نظام اقتصادی مطرح شده است همانند ماده ۱ و ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی.

پخش مواد خطرناک، سمی و میکروبی: پخش در لغت به معنای پراکنده و پراکندن، انتشار و پهن کردن می‌باشد. در این قسمت اختصاراً بررسی می‌نماییم که منظور از مواد خطرناک، مواد سمی و مواد میکروبی چه می‌باشد.

مواد خطرناک مطابق ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی حمل و نقل جاده‌ای مواد خطرناک مصوب ۱۳۸۰ عبارت است از موادی که نسبت به بهداشت یا سلامتی انسان، حیوان و محیط زیست ذاتاً خطرناک باشند. در این قانون مواد خطرناک به نوع تقسیم شده است که دو نوع مهم آن مواد سمی و خطرناک هستند. از جمله مواد خطرناک می‌توان به مواد و

محصولات منفجره اشاره نمود. مواد سمی را به طور کلی می‌توان موادی دانست که سلامتی انسان را به خطر می‌اندازند و یا موجب مرگ می‌شوند. این مواد انواع گوناگونی دارند. برخی با استنشاق موجب مسمومیت خواهند شد، برخی قابل اشتعال‌اند و موجب آتش‌سوزی می‌شوند. این مواد می‌توانند به شکل جامد، محلول و یا به شکل بخارات یا مه باشند که از طریق تماس با دست یا بلعیدن و یا بوییدن و... موجب صدمه یا مرگ شوند. همانند سیانور مواد میکروبی به موادی اطلاق می‌شود که عامل بیماری‌زا را منتقل می‌کنند. این مواد می‌توانند به شکل مستقیم یا غیر مستقیم عواملی همچون باکتری، ویروس و قارچ و... را به بدن وارد کنند و موجب صدمه یا مرگ انسان شوند مثل فاضلاب‌های بیمارستانی.

نکته قابل توجه در این قسمت این است که منظور از پخش انتشار و استعمال این مواد می‌باشد و پخش را نمی‌توان به توزیع، تهیه و فروش این مواد تسری داد چراکه اگر مد نظر مقنن بود از خرید و فروش و تهیه و توزیع نیز نام می‌برد در حالی که فقط پخش آن را مطرح نموده است و این تفسیر به اصول حقوق جزا یعنی تفسیر به نفع متهم و تفسیر مضیق قوانین جزایی نیز سازگارتر است.

مجازات افساد فی الارض

از منظر قانون

مطابق آنچه که تا کنون گفته شد مجازات مفسد فی الارض همان است که در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی آمده یعنی مرتکب به اعدام محکوم می‌شود. البته قبل از تصویب این قانون در قانون مجازات ۱۳۷۰ ماده ۱۹۰ آمده بود: حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است: ۱- قتل ۲- آویختن به دار ۳- اول قطع دست راست و سپس پای چپ ۴- نفی بلد. ماده ۱۹۱ مقرر می‌داشت که قاضی به اختیار خود می‌تواند مرتکب را یکی از این چهار مجازات محکوم نماید. علت این مجازات نیز اعتقاد بر یکسان بودن دو بزه افساد و محاربه بود که به پیروی از نظر برخی فقها در قانون منعکس شده بود. اما مقنن در قانون ۱۳۹۲ با تصویب ماده ۲۸۶ جرم افساد را جرمی مستقل از

محرابه معرفی و برای آن مجازات اعدام را مقرر نمود. در قوانین خاص نیز غیر از مجازات اعدام برای افساد فی الارض مجازات دیگری تعیین نشده است. در باب اینکه مجازات مفسد تعزیری است یا حدی می‌توان اظهار داشت در خصوص جرایم منصوص که به دلیل تکرار یا گستردگی عمل مشمول عنوان افساد می‌شوند شکی نیست که مجازات حدی است چنانکه در قانون نیز افساد فی الارض ذیل عنوان حدود قرار گرفته است. اما در خصوص جرایم جدید همچون جرایم رایانه‌ای و اخلال در نظام اقتصادی به نظر می‌رسد باید مجازات اعدام را تعزیری و مرتکبین را در حکم مفسد فی الارض دانست زیرا این مجازات‌ها در طی زمان تغییر یافته‌اند مثلاً امروزه با ۳۰ گرم هروئین فرد مفسد تلقی شده اما ممکن است این مقدار بعداً تغییر نماید و لذا هدف از انتساب مرتکب به مفسد فی الارض و اعمال مجازات سنگین اعدام، جنبه بازدارندگی عمل و جلوگیری از انجام چنین اعمالی است که آثار و پیامدهای مخرب وسیعی بر جامعه دارند (مجیدی، ۱۳۸۶: ۴۲۵).

از منظر فقهی

مستفاد از کلام فقها این است که مجازات مفسد فی الارض قتل می‌باشد. پیش‌تر در بحث مصادیق فقهی افساد فی الارض به آن‌ها اشاره نمودیم. مانند معتاد به بردگان یا اهل ذمه و... اکثر فقها همچون شیخ طوسی، ابن زهره، فاضل کیدری و غیره علت قتل این افراد صراحتاً افساد فی الارض معرفی شده است.

شیخ طوسی در خلاف قائل به عدم قطع شده (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۲۸) ولی در تهذیب بعد از نقل روایت سکونی از قول امام صادق آورده است که اگر کسی به کشتن بردگان عادت داشته باشد می‌تواند وی را بکشد تا دیگران را از این عمل باز دارد (همان، ج ۱۰: ۹۹). اگرچه شیخ طوسی صراحتاً علت کشتن فرد را افساد مطرح نکرده است اما از سخن وی در «نهایه» که می‌فرماید: «ومن سرق حراً فباعه، وحب علیه القطع، لانه من المفسدین فی الأرض»: کسی که فرد آزادی را بدزد و بفروشد قطع دست او واجب است چون مفسد فی الارض است» (همان: ۷۲۲) می‌توان چنین مطلبی را نتیجه گرفت.

فاضل کیدری نیز در کتاب «اصباح» نوشته است: «من سرق حرا فباعه وجب علیه القطع، لأنه من المفسدين فی الأرض» (کیدری، ۱۴۱۶: ۵۲۵). هر کس به کشتن بردگان اعتیاد پیدا کرده و بر این کار مصر باشد؛ به جهت فساد در زمین کشته می‌شود (نه به عنوان قصاص).

در مقابل عده‌ای دیگر از فقها همچون سلار بن عبدالعزیز دیلمی و علامه در «ارشاد الاذهان»، علت قتل معتاد به کشتن بردگان را قصاص و با پرداخت تفاضل دیه جایز می‌دانند. در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که در دو مورد مذکور جز قتل مجازات دیگری برای افساد بیان نشده است اما در مورد نباش و کفن دزد دو نوع مجازات مطرح شده در مرتبه اول قطع دست و در صورت سه بار تکرار به قتل مرتکب حکم شده است. فقها علت قتل بعد از سه مرتبه تکرار را افساد فی الارض مطرح نموده‌اند اما در مورد قطع دست در مرحله اول اختلاف نظر وجود دارد برخی آن را به دلیل افساد می‌دانند و برخی به دلیل حد سرقت. اما به نظر می‌رسد حد سرقت چندان در این مورد پذیرفتنی نیست چراکه نصاب حد سرقت در آن رعایت نشده است. بنابراین از جمله مواردی که جز قتل مجازات دیگری برای مفسد در نظر گرفته شده است درباره نباش و کفن دزد می‌باشد.

در توجیه این نظر می‌توان به سخن شیخ مفید مدد جست چنانکه فرموده‌اند: اگر فردی به کفن دزدی مشهور شده باشد و حداقل سه بار مرتکب این کار شده و از چنگال حاکم فرار کرده باشد، حاکم می‌تواند او را بکشد و یا دست و پایش را قطع کند (مفید: ۸۰۴) لذا علت این حکم را نمی‌توان مجازات تکرار جرم دانست، زیرا قتل هنگامی مجازات تکرار جرم است که مجرم در دو مرتبه پیشین مجازات شده باشد؛ در صورتی که شیخ بیان می‌کند که اگر مرتکب فرار کرده باشد و در مرتبه سوم دستگیر شود، مفسد و مجازات وی قتل است. با توجه به مطالب یاد شده می‌توان نتیجه گرفت که فقهای امامیه به تناسب نوع و موضوع جرم گاهی مجازات قتل را بر مفسد لازم دانسته‌اند و گاهی مجازات قطع مثل حکم فروش انسان و نباش.

به طور کلی مستندات حکم مجازات حدی مفسد فی الارض در فقه امری مسلم بوده و می‌توان منابع فقهی آن را به شرح زیر برشمرد:

۱. کتاب قرآن

آیه ۳۳ سوره مائده می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَرَسُولُهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

«همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن‌ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پای‌شان به خلاف یکدیگر ببرند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آن‌هاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود»

و در آیه ۳۴ آمده است:

﴿إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

«مگر کسانی که پیش از آنکه بر آنان دست یابید، توبه کرده باشند، پس بدانید که خداوند آمرزنده‌ای مهربان است»

در توضیح و تفسیر آیه مذکور آمده است ذکر "محاربه" در ابتدا و سپس افساد فی الارض که بر آن عطف شده دال بر بیان علت تعدد مجازات است زیرا فساد در زمین و سعی در آن علت اصلی ترتب چند نوع مجازات مذکور در آیه است. لذا می‌توان گفت اگر افساد محقق شود ولو اینکه همراه با محاربه نباشد یکی از این چهار مجازات اعمال می‌شود. در مقابل می‌توان گفت این نظر زمانی صحیح است که فقط افساد در آیه بیان شده بود اما چون با "و" به محاربه عطف شده است لذا این دو با هم جمع می‌شوند و در صورتی این مجازات‌ها اعمال می‌شود که این دو بزه با هم اجتماع یابند. اما به نظر می‌رسد این دو نظر در صورتی صحیح بودند که میان محاربه و افساد تباین وجود داشت. اما میان محاربه و افساد چنانکه پیش‌تر گفته شد رابطه عام و خاص مطلق برقرار است از باب عطف عام بر خاص، و علت جرم بودن محاربه، سعی در جهت افساد در زمین است. ولی اگر قائل به عموم و خصوص من وجه باشیم می‌توان گفت هر یک از محاربه و افساد یک نقطه اشتراک دارند. قدر متیقن آن است که استنباط این رابطه از آیه ۳۳ مائده

مستبعد می‌نماید. البته مجازات مفسد را می‌توان از آیات فراوانی دیگری آیه ۳۲ نور تلویحاً به دست آورد.

۲. سنت

مجازات قتل برای افساد فی الارض در بسیاری از روایات مطرح شده است. شیخ صدوق در این باره می‌فرماید: «دلالیت روایت مبنی بر آن است که مراد از استثنا، قتل قاتل و مفسد در سرزمین کفار باشد تا در نتیجه دلالت کند بر اینکه مجازات سعی در فساد، قتل است و این امر به مرتبه‌ای از شدت رسیده که اجرای آن در دار التقیه نیز جایز است (شیخ صدوق، ۱۴۲۲: ۳۲۰). از این سخن و سایر روایات می‌توان نتیجه گرفت که قبح عمل فساد به حدی زیاد است که مجازات آن یعنی قتل را حتی در دار التقیه نیز می‌توان اجرا نمود حال اگر این جرم در جامعه اسلامی که امنیت نیز دارد انجام شود به طریق اولی قابل اجرا و اعمال است.

۳. حکم عقل

به نظر می‌رسد حکم قتل برای افساد فی الارض حکمی عقلایی است. چراکه شرع نیز با آن موافق است و عرف نیز این موافقت را از اطلاق حکم در می‌یابد. برای اثبات عقلایی بودن این حکم می‌توان به آیه ۲۶ سوره غافر اشاره کرد. همچنین عقلای جامعه نیز از بین بردن کسی را که موجب فساد در حد وسیع در جامعه می‌شود تأیید می‌نمایند.

بررسی مصادیق مجرمانه ماده ۲۸۶ ق.م.ا.

برخی فقها و حقوقدانان معتقدند مصادیق مذکور در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی سابقه فقهی ندارند و نمی‌توانند به عنوان حدود مطرح شوند، زیرا مطابق ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی، حد مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده باشد و مصادیق این ماده اینگونه نیست، و... با عناوین کیفری دیگری قابل تعزیر می‌باشند (فرحزادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

بنابراین باید مصادیق آورده شده در ماده ۲۸۶ ق.م.ا را عناوینی تعزیری محسوب نمود که قانونگذار با عنایت به اوصاف مذکوره در ماده موصوف، اقدام به افزایش کیفر آن‌ها تا

سرحد اعدام نموده و در زمره حدود قرار داده است. حال با این فرض که عناوین ذکر شده در ماده مذکور تعزیری هستند، آیا می‌توان در جرائم تعزیری مجازات اعدام را در نظر گرفت؟ مطلبی است که نیازمند تحقیق بیش‌تر است.

نفی مجازات اعدام در جرائم تعزیری

در اندیشه عده‌ای از فقها، هر عملی که مفسده آور باشد، مرتکب آن مستحق تعزیر است؛ هرچند عمل مزبور، فعل حرامی نباشد و یا مرتکب عمل دارای شرایط عامه تکلیف (شرط مسئولیت کیفری) نباشد (لنکرانی، ۱۴۲۲: ۴۷۲). جعل مجازات‌های بازدارنده در قانون مجازات اسلامی را می‌توان ناشی از رویکرد قانونگذار به این دیدگاه فقهی دانست. به اعتقاد مشهور فقیهان نیز هر شخصی که مرتکب فعل حرامی شده و یا واجبی را ترک نماید، مستحق مجازات تعزیری است. به اعتقاد برخی دیگر از فقیهان، تنها مرتکبان گناهان کبیره را می‌توان تعزیر نمود (نجفی، ۱۴۲۴، ج ۴۱: ۴۴۸).

به هر حال مطابق تمامی دیدگاه‌های پیش گفته، مفسدین فی الارض همانند برپاکنندگان مراکز فساد و فحشا در سطح گسترده، مستحق مجازات و تعزیرند، لکن از آنجا که مشهور فقیهان امامیه معتقدند که مجازات تعزیری باید کم‌تر از مجازات حدی باشد، مجازات مفسد (با مفهوم خاص خود که تا کنون بیان نمودیم) نمی‌تواند مجازات قتل یا قطع باشد، بلکه از ادله تعزیر و قاعده "التعزیر لکل فعل محرم" تنها جواز مجازات تعزیری مفسد، آن‌هم مجازاتی به مقدار کم‌تر از حد مربوط، به دست می‌آید و نه بیش از آن (بای، ۱۳۸۴: ۵۱).

در مورد مصادیق مطرح شده در ماده ۲۸۶ ق.م.ا نیز وضع به همین منوال است. از آنجایی که این مصادیق از عناوین تعزیری بوده و باید در غالب مجازات‌های تعزیری مرتکب را به سزای اعمالش رساند، حکم به مجازات اعدام به مرتکب محل تردید واقع شده است. زیرا مطابق قاعده "التعزیر دون الحد" مجازات‌هایی که در قسمت تعزیرات بر مرتکب وضع می‌شود، نباید از حد شرعی آن فراتر رود. البته به نظر نگارندگان می‌توان با تنقیح مناط در جرایم سهمگین ولو تعزیری باشند حکم به اعدام داد و این تعارضی با «التعزیر دون الحد» از باب تأمین مصلحت ناس ندارد.

اعمال مجازات حبس ابد به جای اعدام

به نظر می‌رسد بالاترین مجازاتی که در جرائم تعزیری به جهت شدت صدمات وارده به افراد و اجتماع می‌توان اعمال نمود حبس ابد باشد و به هیچ وجه در جرائم تعزیری نمی‌توان مجازات اعدام را در نظر گرفت. اعمال مجازات حبس ابد نسبت به مجازات اعدام محاسنی دارد که از جمله آن می‌توان به بازگشت پذیر بودن و همچنین رسیدن به سرشاخه‌های اصلی جرائم ارتكابی خصوصاً در مورد جرائم مربوط به مواد مخدر اشاره نمود.

به طور کلی و از مجموع مباحث مطرح‌شده این نکته روشن می‌شود که افساد فی الارض یک مفهوم عام و کلی است و همه جرائم را به نوعی در بر می‌گیرد، اما در خصوص آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده تنها یک مصداق و آن هم محاربه و افساد فی الارض به صورت واحد را شامل می‌شود. به عبارت دیگر برای کبرای کلی "مفسد فی الارض" می‌توان در گستره زمان، صغراهای زیادی یافت و برای هر کدام یک وصف مجرمانه تأسیس نمود، همانند مصادیقی در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی آورده شده است و البته این سیاست کیفری برای رصد جرایم نوینی که به مقتضای شرایط زمان و مکان و به میمنت فقه پویا و ایده‌های نوین حقوقدانان امری پسندیده و نکو به نظر می‌رسد ولی نواقص آن می‌بایست برطرف گردد.

نتیجه بحث

با عنایت به آنچه گفته آمد در اینکه جرم افساد فی الارض یکی از مهم‌ترین پدیده‌های مجرمانه مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و شریعت مقدسه اسلام است تردیدی روا نیست. البته نظر به مصادیق و شاخصه‌های احراز آن یعنی گسترده بودن و در حد وسیع و اخلال شدید و خسارت عمده و مرکزیت اشاعه فساد از جمله قیودی است که متمایز کننده آن از سایر قوانین مشابه موجود در ماده ۲۸۶ بوده و در عین حال مقنن خود را مقید به برداشت دقیق از نصوص دانسته است.

افساد فی الارض در فقه و قانون مصادیق مختلفی دارد و دامنه این جرم بسیار گسترده می‌باشد به طوری که بسیاری جرایم را می‌توان ذیل این عنوان مجرمانه قرار

داد. اسیدپاشی جزو جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد می‌باشد و اگر به طور گسترده و با وجود سوء نیت لازم در افساد انجام شود می‌تواند مشمول این عنوان گردد. در غیر این صورت مشمول تبصره ماده ۲۸۶ شده و مطابق قوانین قصاص و دیه قابل تعقیب و پیگیری است.

در افساد فی الارض مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات، باید گستردگی عمل و قصد مرتکب مبتنی بر اخلال در نظم عمومی، ورود خسارت عمده یا اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع، احراز گردد تا جرم مذکور محقق شود.

میان فقها و حقوقدانان در مورد اینکه افساد و محاربه دو جرم یکسان هستند یا مستقل از هم اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از فقها افساد فی الارض را جرمی عام می‌دانند که محاربه نیز از مصادیق آن است و مواردی وجود دارد که مرتکب مفسد است اما محارب نیست، لذا رابطه این دو جرم عموم و خصوص مطلق است و عده‌ای دیگر از فقها بر این عقیده‌اند که چون این دو جرم در یک آیه و به دنبال هم آمده‌اند لذا یکی هستند و آیه دال بر این است که محارب در زمین فاسد می‌کند در نتیجه رابطه این دو جرم تساوی است. اما چنانکه بررسی شد افساد فی الارض و محاربه در مواردی همچون عنصر مادی و معنوی و مجازات متفاوت می‌باشند و از این رو دو جرم مستقل از یکدیگر به حساب می‌آیند. برخی از مصادیق افساد فی الارض شامل عنوان محاربه نمی‌شود و برخی از مصادیق محاربه ذیل عنوان افساد نمی‌گنجد. در این میان مصادیقی نیز وجود دارد که شامل هر دو عنوان می‌شود مثل سارقی که با سلاح مردم را می‌ترساند و در نظم عمومی اخلال ایجاد می‌کند. بر این مبنا مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رابطه میان این دو جرم از نظر قانون، عموم و خصوص من وجه می‌باشد. مجازات مفسد فی الارض با توجه به منابع فقهی شامل قرآن؛ در آیات ۳۲ تا ۳۴ سوره مائده، سنت شامل روایات یاد شده از قول معصومین و نظرات فقها، حکم عقلا مبتنی بر ارتکاز عقلانی و پذیرش عرف که به امضای شارع نیز رسیده و بنا بر مصلحت اجتماع که لزوم برخورد با افرادی که محل نظم و امنیت جامعه هستند؛ و حتی قیاس مستنبط العله مستندات آن بوده، و جرم انگاری آن مورد وثوق می‌باشد و البته قانونگذار در تنقیح تعریفی جامع می‌بایست اهتمام نماید.

مجازات مفسد فی الارض مطابق ماده ۲۸۶ قانون مجازات و نظریات فقها، اعدام می‌باشد. اگرچه عده‌ای از فقها در کتب خود در برخی موارد به مجازاتی غیر از اعدام همچون قطع دست نیز اشاره نموده‌اند. اما مطابق آیه ۳۲ سوره مائده می‌توان اظهار داشت شارع مقدس قتل مفسد فی الارض را مشروع اعلام داشته است. در خصوص جرایم جدید همچون قوانین مربوط به مواد مخدر و جرایم رایانه‌ای و... مجازات مفسد را با توجه به تغییر قوانین می‌توان تعزیری و مرتکب را در حکم مفسد فی الارض دانست. اما در مورد جرایم منصوص شکی نیست که مجازات مرتکب از باب حد است چنانکه فقها و روایات نیز دال بر این مطلب می‌باشد.

صرف نظر از محمل مجرمانه آیه شریفه ۳۳ سوره مائده افساد فی الارض از آیه ۳۲ و سایر آیات نیز قابل استنباط است به همین خاطر قانونگذار در سال ۱۳۹۲ اقدام به تفکیک افساد فی الارض از محاربه نمود؛ و در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی در بخش حدود مواردی را با ذکر چند قید به عنوان افساد فی الارض در نظر گرفته است. در این پژوهش سعی ما بر این بوده است که چرایی این عمل قانونگذار و مستندات و مبانی فقهی و نیز سابقه فقهی و حقوقی آن مورد ارزیابی و بررسی گیرد. با مذاقه در نظرات فقها و حقوقدانان برجسته پیرامون این موضوع به نتایج ذیل دست یافتیم:

۱- در خصوص وحدت یا ثنویت دو عنوان "محاربه" و "افساد فی الارض" که به نوعی بخش مهمی از موضوع این پژوهش می‌باشد، مشخص گردید که نظر قاطبه فقها آن است که محاربه و افساد فی الارض ذکر شده در آیه ۳۳ سوره مبارکه مائده با عنایت به شأن صدور آیه شریفه و نظر مشهور در مقام بیان جرم محاربه است به عنوان مصداق اتم افساد فی الارض. ایشان همچنین عقیده دارند که آیه شریفه ناظر به حکم خاصی است برای موضوع خاصی و از آن به هیچ وجه استفاده نمی‌شود که هر مفسدی، هر چند محارب نباشد، احکام چهارگانه محارب در مورد وی اجرا گردد.

۲- در بخش بعدی این پژوهش نیز به بررسی قوانین گذشته و جاری کشور در خصوص محاربه و افساد فی الارض پرداختیم و ایراداتی را که نسبت به نحوه قانونگذاری و تبیین موضوع وجود داشت، مورد ارزیابی قرار دادیم که مشخص شد در مواردی قانونگذار اقدام به جرم انگاری افساد فی الارض به صورت تلویحی در قوانین گذشته و

همچنین به صورت صریح در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ نموده است که این اقدام قانونگذار با انتقادات فراوانی روبه‌رو بوده است. ولی نظر واقع بینانه آن است که این اقدام قانونگذار در راستای سیاست کلی کیفری امری ممدوح و حکیمانه بوده است.

۳- مقنن برای رفع ابهامات و کاهش انتقادات و نیز معاضدت محاکم در احراز مصادیق و رفع شبهه و خلط مصداقی ماده ۲۸۶ نسبت به سایر قوانین مشابه در تنقیح و اصلاح هرچه بهتر پدیده مجرمانه حدی افساد فی الارض موضوع ماده موصوق سعی وافی نماید.



کتابنامه

- آیت الله العظمی صافی گلپایگانی. ۱۳۸۸ش، گنجینه استفتائات قضایی (نرم افزار)، قم: مرکز تحقیقات قوه قضائیه.
- آیت الله نوری همدانی. ۱۳۸۹ش، گنجینه استفتائات قضایی (نرم افزار)، قم: مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضائیه.
- حلبی، ابن زهره. ۱۴۱۷ق، غنیه النزوع إلى علمی الأصول والفروع، چاپ اول، قم: مؤسسه امام صادق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، یک جلدی، لبنان-سوریه: دار العلم-الدار الشامیه.
- سبزواری، عبدالأعلی. ۱۴۱۹ق، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، بیروت: اهل البيت.
- شیخ صدوق. ۱۴۲۲ق، عیون أخبار الرضا، ج ۲، قم: مدرسه امیرالمؤمنین.
- شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری. ۱۴۱۳ق، المقنعة، چاپ اول، یک جلدی، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- طبرسی، امین الاسلام فضل بن حسن. ۱۴۱۰ق، المؤلف من المختلف بین أئمة السلف، چاپ اول، ج ۲، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. ۱۴۰۰ق، النهاية فی مجرد الفقه والفتاوی، چاپ دوم، یک جلدی، بیروت: دار الكتاب العربی.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. ۱۴۰۷ق، الخلاف، شش جلدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. ۱۴۰۷ق، تهذیب الأحکام، چاپ چهارم، ده جلدی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- فاضل لنکرانی، آیت الله محمد. ۱۴۲۲ق، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة (کتاب الحدود)، قم: چاپخانه علمیه.
- قمی، محمد مؤمن. ۱۴۱۵ق، کلمات سدیة فی مسائل جدیدة، یک جلدی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کیدری، قطب الدین محمد بن حسین. ۱۴۱۶ق، إصباح الشیعة بمصباح الشریعة، چاپ اول، یک جلدی، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- مجیدی، محمود. ۱۳۸۶ش، حقوق کیفری اختصاصی، جرایم علیه امنیت، تهران: نشر میزان.
- محقق حلی. ۱۴۱۲ق، نکت النهایة، ج ۳، چاپ اول، قم: انتشارات اسلامی.
- میر محمد صادقی، حسین. ۱۳۹۲ش، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: نشر میزان.

نعناکار، مهدی. ۱۳۸۷ش، *افساد فی الأرض در فقه و حقوق موضوعه*، تهران: انتشارات مرسل.
ولیدی، محمد صالح. ۱۳۸۸ش، *حقوق جزای عمومی*، ج ۴، تهران: نشر داد.
نجفی، محمد حسن. ۱۴۲۴ق، *جواهر الکلام*، ج ۳۴، چاپ هفتم، بیروت: دار التراث العربی.

مقالات

بای، حسین علی. ۱۳۸۴ش، «سیری در مستندات فقهی جرم افساد فی الأرض»، مجله فقه و حقوق ش ۷.
حبیب زاده، محمدجعفر. ۱۳۸۷ش، «بررسی جرم محاربه و افساد فی الأرض»، ویژه نامه کیهان هوایی، ش ۱۰.
صالحی، مهدی و محمدجعفر هرنندی. زمستان ۱۳۹۸ش، «مجازات‌های بدنی در اسلام و چالش‌های حقوق بشری»، فصلنامه مطالعات قرآنی دانشگاه آزاد جیرفت، سال دهم، ش ۴۰.
فخر، حسین و سمیرا یزدان شناس. بهار و تابستان ۱۳۹۱ش، «بررسی جرم انگاری افساد فی الأرض در نظام حقوقی ایران»، علامه، سال دوازدهم، ش ۳۹.
فرح زادی، علی اکبر و محمد رحمتی و محمد امین ثابت سروسستانی. ۱۳۹۱ش، حقوق جزا و جرم‌شناسی، سال اول، ش ۲.
گلدوزیان، ایرج و ابوالفضل احمدزاده. بهار ۱۳۸۸ش، «بررسی تعریف جرم محاربه و افساد فی الأرض در فقه و حقوق با رویکردی به لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه حقوق، دوره ۳۹، ش ۱.

Bibliography

Ayatollah Safi Golpayegani. 2009, Treasury of Judicial Referendums (Software), Qom: Judiciary Research Center.
Ayatollah Nouri Hamedani. 2010, Treasury of Judicial Referendums (Software), Qom: Judicial Jurisprudence Research Center.
Halabi, Ibn Zahra. 1417 BC, Rich in tendency to the sciences of origins and branches, Qom: Imam Sadeq Foundation.
Ragheb Isfahani, Hussein bin Mohammed. 1412 B.C., Vocabulary of Holy Quran's Words, Yak Jeddi, Lebanon - Syria: Dar Al-Ilm - Dar Al-Shamiya.
Sabzwari, Abdelali. 1419 BC, Talents of the Most Merciful in the Interpretation of Holy Quran, Part 11, Beirut: Ahl al-Bayt.
Sheikh Sadooq. 1422 B.C., Oyouh Akhbar Al-Rida, Volume 2, Qom: Amir Al-Momineen School.

- Sheikh Mufid, Muhammad bin Muhammad bin Noaman Akbari. 1413 B.C., Al-Muqana'a, Yak Jaladi, Qom: Kangarh Jahani Hazara Sheikh Mufid.
- Tabarsi, Amin al-Islam Fadl bin Hassan. 1410 B.C., Al-Mutakalif Al-Dakhlaf among the Imams of the Salaf, Volume 2, Mashhad: Islamic Research Academy.
- Tosi, Abu Jaafar Muhammad bin Hassan. 1400 BC, The End in Just Jurisprudence and Fatwas, Yek Jeldi, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
- Tosi, Abu Jaafar Muhammad bin Hassan. 1407 B.C., Al-Khilafa, Shish Leather, Qom: An Islamic publication book, published by the Teachers' University, Qom Seminary.
- Tosi, Abu Jaafar Muhammad bin Hassan. 1407 BC, Tahdheeb al-Ahkam, Deh-Jeddi, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
- Fazel Lankarani, Ayatollah Muhammad. 1422 BC, Detailing the Shariah in the Explanation of Tahrir al-Wasila (Kitab al-Hudud), Qom: Elmieh Press.
- Qomi, Muhammad Moamen. 1415 B.C., Sound Words on New Issues, Qom: An Islamic book of publications, compiled by the University of Teachers, the Seminary of Qom.
- Kedari, Qutbuddin Muhammad bin Hussein. 1416 B.C., Shi'ite morning light with the light of Sharia, Awal, Yak Geddi, Qom: The founder of Imam Sadiq,
- Mir Muhammad Sadeghi, Hussein. 1392, Crimes against him, Tehran: Mizan Publishing.
- Na'nakar, Mahdi. 1387 A.M., Corruption in the Land of Jurisprudence and Rights, its subject, Tehran: Mursal publications.
- Najafi, Muhammad Hassan. 1424 BC, Jawahir al-Kalam, Volume 34, Beirut: House of Arab Heritage.
- Ayatollah Nouri Hamedani. 2010, Treasury of Judicial Referendums (Software), Qom: Judicial Jurisprudence Research Center.
- Majidi, Mahmoud 2007, Exclusive criminal law, Crimes against security, Tehran: Mizan Publishing.
- Mir Mohammad Sadeghi, Hussein 2013, Crimes against public security and comfort, Tehran: Mizan Publishing.

Articles

- Bai, Hussein Ali. 2005, "A look at the jurisprudential documents of the crime of corruption on earth", Journal of Jurisprudence and Law, No. 7.
- Habibzadeh, Mohammad Jafar 2008, "Investigation of the crime of moharebeh and corruption on earth", special issue of Kayhan Havaie, vol. 10
- Salehi, Mehdi and Mohammad Jafar Harandi. Winter 2017, "Corporal Punishment in Islam and Human Rights Challenges", Quarterly Journal of Quranic Studies, Jiroft Azad University, Year 10, No. 40
- Fakhr, Hossein and Samira Yazdanshenas. Spring and Summer 2012, "Investigation of criminalization of corruption on earth in the Iranian legal system", Allameh, 12th year, No.39.
- Farahzadi, Ali Akbar, Mohammad Rahmati and Mohammad Amin Sabet Sarvestani. 2012, Criminal Law and Criminology, First Year, No.2.
- Goldozian, Iraj and Abolfazl Ahmadzadeh. Spring 2009, "Study of the definition of the crime of moharebeh (enmity) and corruption on earth in jurisprudence and law with an approach to the proposed bill of the Islamic Penal Code", Law Quarterly, Volume 39, No.1.

**Corruption on Earth from a Criminal Aspect to an Independent Crime
based on Quranic Doctrines**

Receiving Date: 27 February,2020

Acceptance Date: 26 July,2020

Mohammad Ebrahim Mojahed: PhD Candidate, Jurisprudence and Islamic Law,
Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch

mojaheds49@yahoo.com

Ahmad Abedini Najaf Abadi: Faculty Member, Islamic Azad University, Isfahan
(Khorasgan) Branch

ahmadabedinia@yahoo.com

Javad Panjeh Pour: Assistant Professor, Jurisprudence and Islamic Law, Islamic
Azad University, Isfahan (Khorasgan) Branch

Corresponding Author: Ahmad Abedini Najaf Abadi

Abstract

One of the most important crimes in terms of dimensions and security is corruption on earth. Looking at the jurisprudential texts and the history of legislation, we conclude that despite the documentation and strength of jurisprudential principles, due to the inclusion of many concepts and examples, the legislator has so far avoided entering into an independent criminal case for corruption on earth. Objections such as the inclusion of a concept on one hand and the principles governing criminal policy such as the principle of shortage interpretation on the other hand prevented its independent criminalization. Also, the dispute over the unity or duality of the two titles Moharebeh (enmity) and Corruption on Earth, which we have dealt with to some extent in this study, was more than what we said was an obstacle to the independence of the crime of corruption. Of course, it will be stated that Verse 33 of Ma'idah Surah has a single meaning and the dignity of issuing the holy verse is focused on the subject of enmity and not corruption on earth, considering the opinion of the commentators and the famous saying of the jurists. In fact, "corruption" is an explanatory clause for moharebeh (enmity) and refers to the explanation of the four punishments.

Keywords: corruption on earth, independency, jurisprudential documents, legal proofs.